



این شرح بی نهایت...
شواترین گوش هاگوشی است که پند
و اندرز را بشنود و پذیرایش شود.

امام علی (ع)

کنج عزلت
نسیم شانه کند زلف موج دریا را
غبار سرمه دهد چشم کوه و صحارا
ز زخم آره دندان موج ایمن نیست
گهر به دامن راحت چسان کشد پا را
لیش به حلقه آغوش خط بلدان ماند
که خضر تنگ به بر می کشد مسیحا را
عده سزای دلم کنج عزلتی دارد
که راه نیست در او وهم بال عقارا
حدیث نرم نمی آید از زبان درشت
شرار خیز بود طبع سنگ خارارا
همیشه تشنه لب خون ما بود بیدل
چو میشه هر که به دست آورد دل مارا
بیدل دهلوی

تقویم تاریخ

حمله زابن به آمریکا

۲۳ سال پیش، برابر با هفتم دسامبر ۱۹۴۱ میلادی، نیروی دریایی امپراتوری ژاپن به پایگاه ناوگان آمریکا در اقیانوس آرام در بندر «پرل هاربر» واقع در مجمع الجزایر هاوایی حمله کرد. در این حمله ۲۴ ناوشکن و یک کشتی نظامی دیگر غرق شدند. همچنین ۱۸۸ هواپیمای نظامی منهدم شد و به ۱۵۵ هواپیمای دیگر آسیب رسید. هزار ۴۰۳ نظامی و غیرنظامی آمریکایی کشته و یکمزار روزولت رئیس جمهوری وقت آمریکا روز بعد از کنگره مجروحان جنگ گرفت و ایالات متحده به طور رسمی وارد جنگ جهانی دوم شد.

خاموشی جواد معروفی

۲۱ سال پیش، برابر با شانزدهم آذر ۱۳۷۲ خورشیدی، جواد معروفی، آهنگساز و نوازنده برجسته پیانو در ایران و فرزند استاد موسیقی معروفی نوازنده برجسته تار، در تهران درگذشت. معروفی از ۱۳۱۹، همزمان با افتتاح رادیو به آن پیوست و سال‌ها تک‌نواز پیانو بود. ۱۳۳۲ به سرپرستی موسیقی رادیو منصوب شد و همزمان با آن به عضویت شورای عالی موسیقی درآمد. معروفی همچنین رهبر ارکستر شماره یک و رهبر ارکستر گل‌ها بود. او تنظیم‌کننده آهنگ‌های علی‌اکبر شهید، عارف قزوینی و درویش‌خان و بسیاری دیگر از آهنگسازان معروف ایرانی بوده است.

در گذشت منوچهر نوذری

۹ سال پیش، برابر با شانزدهم آذر ۱۳۸۴ خورشیدی، منوچهر نوذری، دیپلوم، بازیگر، مجری و کارگردان سینما و تلویزیون ایران، به علت بیماری ریوی و عفونت کلیه در بیمارستان مدرس تهران درگذشت. اصالت او از خاندان پدري به کاشان می‌رسد. نوذری فعالیت هنری خود را در سال ۱۳۳۲ آغاز کرد و از اولین گویندگان تاریخ دیولبه در ایران بود. روی سنگ مزار او این شعر نقش بسته است: «از حق توفیق خدمت خواستم دل گفت پنهانی چه توفیقی از این بهتر که خلقی رایجاندانی»

شهر ونگ

پولدارها، دیگران!

مهندس را استخدام کنی که بیاید آسانسور را نگهداری کند!
برای آدم‌های معمولی همه راه‌ها به رم ختم می‌شود، برای پولدارها به چین!

آدم‌های معمولی مدام حسرت دورانی را می‌خورند که چلوکیاب و سبزی و دوغ می‌شد چند ۳۰ تومن! می‌رفتم لاله‌زار... بیب و بیب و بیب، چند!؟ هفت تومن! یاشد بخیر! آدم‌های معمولی در خاطرات گذشته سیر می‌کنند! آدم‌های پولدار برای آینده رویاپردازی و برنامه‌ریزی می‌کنند، مثلاً نوروز ۹۴ برویم تایلند مناظر طبیعی ببینیم یا برویم چین نمایشگاه فلان و بهمان!؟ رویاپردازی کار آدم‌های پولدار است.

آدم‌های معمولی به دنبال معجزه‌های برای پولدار شدن هستند و منتظرند این معجزه از آسمان بیاید! اما ثروتمندان می‌دانند ایران پر از این معجزات و اتفاقات عجیب و غریب است! مثلاً یکپو گذاشتن کلاه ایمنی برای موتورسواران اجباری می‌شود! اگر شما یک هفته قبل از طریق دوستانتان خبردار شوید، می‌توانید کل کلاه کاسکت‌های بازار را بخرید و بعدا به دو برابر قیمت بفروشید! این معجزه است! شما می‌توانید از طریق دوستانتان در شهرداری از فروش تراکم یا تغییر کاربری یاد دیگر معجزات یهودی ادارات خبردار شوید و یک شنبه پولدار شوید! شما برای درک معجزات، به رفقای یا نفوذات احتیاج دارید! همین! افراد معمولی آرزوهای معمولی دارند، آدم‌های ثروتمند، آرزوهای بزرگ! مثلاً به یک نفر می‌گویند بزرگترین آرزویت چیست؟ می‌گوید دیدن حسین رضازاده! ولی خود رضازاده آرزوهای بزرگتری دارد که او را جزو ثروتمندان نموده است! وقتی هم به او می‌گویند یا شورای شهر یا فدراسیون وزنه‌برداری در نهایت خسوع و تواضع می‌گوید ترجیح می‌دهم هم در شورای شهر باشم هم در وزنه‌برداری! اما تابع قانونم! گویا افراد ثروتمند، خوش‌اشتها هم هستند!



سوشایانس شجاعی فرد

طنزنویس
soshayans.fard@gmail.com

نشریه بیزینس اینسایدر، مقاله‌ای منتشر کرده است درباره تفاوت نگاه پولدارها و بی‌پول‌ها به زندگی، خوب، لاید توقع دارید بنده بایم در ستون طنز می‌گویم که آن مقاله چه بوده و چه گفته! زهی خیال باطل! بفرمایید صفحه اقتصادی، بفرمایید آقا! این‌جا تجمع نکنید، بفرمایید آقا! پسر موقشنگه، با شما هستم، میام با اون جمعیت می‌کنم می‌برمت‌ها! این‌جا ستون طنز است، بنابر این بنده به جای مقاله بیزینس اینسایدر، نظریات آقا مجید اسکونت - بزرگ خاندان چک خردکن‌ها - را برایتان منعکس می‌کنم، قطعا عایدتانی بیشتر از صفحه اقتصادی خواهد بود! آقا مجید اسکونتی که در کار نقد کردن چک‌های مدت‌دار و خرید و فروش ارز است و البته همه این کارها را در حجره کتاب قدیمی‌اش خود انجام می‌دهد، نظراتی دارد به این شرح:
آدم‌های پولدار خودخواهند! اصلاح طلب نیستند! قصد اصلاح دنیا را ندارند! قصد پر کردن حساب خودشان را دارند! مثل بنده و شما دنبال فرهنگ و طنز و مطالب این ستون پاپیونی و اون ستون آنوری که شعر نوشته و آن یکی ستون پایین سمت چپ، نه آن پاپیونی، بغلیش، آره همان، مشتری آن هم نیستند! یا سرشان توی آگهی‌هاست، یا فوفش اگر نگاهه به صفحه آخر ببیند، ستون آب و هوا را نگاه می‌کنند که ببینند آخر هفته شمال بروند یا لواسان! پس خودخواه باشی!

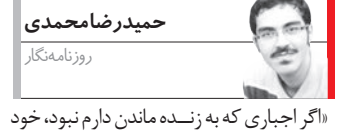
آدم‌های معمولی فکر می‌کنند برای ثروتمند شدن باید زحمت کشید، باید دود چراغ خورد، باید پله‌پله درجرات ترقی را طوسی کرد. اما آدم‌های پولدار، اعتقادی به اینها ندارند، آنها سوار آسانسور ترقی می‌شوند. این آسانسور را خودشان از آلمان وارد کرده‌اند! نیازی هم به درس خواندن نیست! وقتی سوار آسانسور ترقی شدی، می‌توانی یک

نگاه

سه قطره خون

۱۳۳۲. همه؛ از علمی و عادی گرفته تا دانشجو و هنرمند و اهل فکر و فرهنگ، سرخورده و نالان به کنجی خزیده بودند. اما وقتی خبر رسید که قرار است هجدهم آذر، ریچارد نیکسون معاون دوایت آیزنهاور؛ رئیس جمهوری وقت آمریکا به تهران بیاید، دیگر تاب نیاوردند. آن روز اما دانشگاه حال و هوای عجیبی داشت. در این میان، یکی از دانشجویان - و لاید به نمایندگی از بقیه آنها - که دیگر طاقتش طاق شده بود، فریاد برآورد:

«دست نظامیان از دانشگاه کوتاه! نظامیان هم که دیگر بهانه‌های پیدا کرده بودند، شروع به تیرباران، آن هم در صحن مقدس دانشگاه کردند. دانشجویان که غافلگیر شده بودند، مجال فرار هم پیدا نکردند. «مصطفی بزرگنیا» به ضرب ۳ گلوله از پا درآمد. «در شریعت رضوی»، که آن روز روز تولدش هم بود، ابتدا هدف قرار گرفته به سختی مجروح شده بود، بر زمین می‌خزید و تاله می‌کرد، حتی یک قدم هم به عقب برنداشته و در جای اولیه خود ایستاده بود و از گلوله‌باران اول مصون مانده یکی از جانبیان بارگیار مسلسل سینه او را شکافت. چمران در جای دیگر، می‌نویسد: «در حین درگیری یکی از تیرها به رادیاتور می‌خورد که در مقابل احمدقندیجی بود، خورد و آبجوش تمام سر او را به شدت مجروح کرده بود. با این حال مسئولان بیمارستان از مداوا و حتی تزریق خون به او ابا کردند و ۲۴ ساعت بعد او مظلومانه شهید شد». وقتی ۲ روز بعد از آن حادثه نیکسون به دانشگاه تهران رفت و دکترای افتخاری حقوق گرفت، یکی از روزنامه‌ها نوشت: «آقای نیکسون! وجود شما آن قدر گرمای و عزیز بود که در قدام شما ۳ نفر از بهترین جوانان این کشور یعنی دانشجویان دانشگاه افریقای کردند.»



حمیدرضا محمدی

روزنامه‌نگار

«اگر اجباری که به زنده ماندن دارم نبود، خود را در برابر دانشگاه آتش می‌زدم، همان جایی که ۲۳ سال پیش، «آذرمان»، در آتش بیداد سوسخت، او را در پیش پای «نیکسون» قربانی کردند! این ۳ بار دبستانی که هنوز مدرسه را ترک نکرده‌اند، هنوز از تحسلیشان فراغت نیافته‌اند، نخواستند - همچون دیگران - کوبین نانی بگیرند و از پشت میز دانشگاه، به پشت پاچال بازار بروند و سر در آخور خویش فرو برند. از آن سال، چندین دوره آمدند و کارشان را تمام کردند و رفتند، اما این ۳ تن ماندند تا هر که را می‌آید، بیاموزند، هر که را می‌رود، سفارش کنند. آنها هرگز نمی‌روند، همیشه خواهند ماند، آنها شهیدند. این «سه قطره خون» که بر چهره دانشگاه ما، همچنان تازه و گرم است.»

دکتر علی شریعتی، سال ۱۳۵۴

«حدود ساعت ۱۰ صبح... بود... ما در کلاس دوم دانشکده فنی که در حدود ۱۶۰ دانشجو داشت، مشغول درس بودیم. صدای جگمه سربازان از راهروی پشت در به گوش می‌رسید. اضطراب و ناراحتی بر همه مستولی شده بود و کسی به درس توجه نمی‌کرد... تا بالاخره در کلاس به هم خورد و ۵ سرباز با مسلسل سبک وارد کلاس شدند... این بخشی از آن چیزی است که ۶۱ سال پیش، در روز شانزدهم آذر سال کودتای سیاه، در دانشکده فنی دانشگاه تهران اتفاق افتاد و دکتر «مصطفی چمران» ۹۰ سال بعد، آن روز را، در دفتر خاطراتش چنین نگاشته است. همه ماجرا از همان کودتا شروع شد؛ مراد

فوکوس...



شماره ویژه اس آنجلس تایمز، هفتم دسامبر ۱۹۴۱ میلادی، ساعت‌پس از حمله این بمب‌دربل هاربر، باتیتر جنگ!

کار تون شهر

به بهانه شانزده آذر، روز دانشجو



حرف روز

روزتان مبارک

بوده آن هم زمانی که ترم اول کارشناسی ارشد بودم و بیشترین لحظاتم را با کتاب‌هایم می‌گذراندم. لذت هم می‌برد! اما این فرم زندگی، چون به خاطر دارم که فضای آن روزها، فضای خوبی نبود. بگذریم... جالب است که بر حسب متن آن زمان هنوز کارشناسی ارشد راچ و قرب داشته و عنوان دهن پر کنی هم محسوب می‌شده حتی!
دغدغه اصلی آن روزهایم کار بود در حالی که می‌شد اینگونه فکر کرد که تمام حال خوب دنیا در همان فضای آکادمیک پاستوریزه است که فقط از تو می‌خواهد نفس عمیق علمی بکشی و هر از چندی هم در جلسات نقد و بررسی شرکت کنی و فکر کنی توی دانشگاه، مرکز تغییرات علمی و کافی است که این گونه فکر کنی! چون «دانشجوی ارشد» بر این مبنای مانچر خید ما تنها آیینهای بودیم که هر از چندی منافع گروهی را منعکس می‌کردیم و مدتی بعد توسط همان گروه شکسته شدیم. صدایی بودیم که تنظیمش دست خودمان نبود. گروهی کیهان می‌کردند، فرادابا بالاترین میزان پخش می‌شدیم. گروهی بودیم که سجات عدنان را استایش می‌کردیم و از قبل شهادت‌شان، روز دانشجو را گرمای می‌داشتیم. گروهی که «روزتان مبارک»
Hoseini.nia.m@gmail.com



مریم حسینی نیا

«دانشجو بودن و یک کشیدن عنوان «دانش جو» در این زمانه که آمارها یکی پس از دیگری اعلام می‌شود و یکی تأیید می‌کند و دیگری تکذیب، در این زمانه که کار داریم و ثابت فقط در ابرهای بالای سرمان قابل رؤیت است و کسب به مثابه ماشین‌های از زده خارج شده امروز هست و فردانیت، در این زمانه که بسته‌های آموزشی اجازه رسیدن به پایان خط تحصیل را نمی‌دهند و از وارد شدن به چرخه اقتصادی جلوگیری می‌کنند، تنها یک کار بردارد. نوشتن عنوان‌های پر کنی چون «دانشجوی ارشد» به جای «بیسکار» در فرم‌هایی که خودش بنیات پُر کردن را به تو تحمیل می‌کند. همین!»
متن بالا را سال ۱۳۸۹ نوشتم. به عبارتی ۵ سال پیش. از آن روزها فاصله گرفتم و احتمال می‌دهم در وضع خوبی هم قرار نداشته‌م. حین نوشتنش، کج خلقی متن به نظر زیاد است. باورم نمی‌شود نویسنده متن خودم باشم. بس که از وقتی خاطرم هست از کار ثابت گر بران بودم! چرا پس دربارش نوشتم؟ گویا خیلی نگران کار بودم. دغدغه‌ام کسب

اراک	۳	اردبیل	۱	ارومیه	۲	اصفهان	۳	اهواز	۲	ایلام	۲	بجنورد	۱	بندرعباس	۳
بوشهر	۱۹	بیرجند	۴	تبریز	۲	تهران	۲	خرم‌آباد	۳	زاهدان	۱۲	زنجان	۲	سنندج	۸

درجه بالای صفر می‌رسد و نقشه‌های هواشناسی نشان می‌دهند، آسمان تهران نیز در این روز کمی ابری تا نیمه‌ابری در بعضی ساعات همراه غبار محلی خواهد بود. طبق نقشه‌های پیش‌یابی کمیته و پیشینه‌های تهران روز دوشنبه بین ۴ تا ۱۲ درجه بالای صفر خواهد بود و آسمان پایتخت در این روز نیمه ابری همراه با وزش باد پیش‌بینی می‌شود. بنا بر اعلام مرکز کنترل و پایش محیط زیست کشور، هوای تهران روز گذشته در شرایط نسبتاً سالم قرار داشته است. شاخص کیفیت آلاینده‌های متواکسید کریسن، از آن، دی‌اکسید نیتروژن و دی‌اکسید گوگرد در پایتخت به ترتیب بر روی اعداد ۱۰ تا ۲ کمیته و پیشینه‌های تهران امروز به ۲ تا ۱۰

شهرکرد	۷	قزوین	۱۳	کرمانشاه	۱۲	کرمان	۱۴	گرگان	۹	رشت	۸	ساری	۱۰	کرج	۷
شیراز	۱۷	سمنان	۷	همدان	۱۴	قم	۱۴	مشهد	۷	یاسوج	۱۱	یزد	۱۷	ایبومی	۲۴